

عنوان مقاله:

نگاهی دیگر به مبانی مسئولیت مدنی در فقه امامیه

محل انتشار:

پنجمین همایش ملی حقوق (تحولات مسئولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران) (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

میلاذ دهقانی - دانش آموخته دانشگاه فردوسی مشهد، کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، زاهدان

مرضیه فردوسی دولتشانلو - دانش آموخته دانشگاه فردوسی مشهد، کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد

عباسعلی سلطانی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

اساس و پایه مباحث حقوق مدنی، بحث مسئولیت مدنی است. در این خصوص نیز سخن از مبانی مسئولیت مدنی اهمیت به سزایی دارد و تاکنون نظرات مختلفی در باب مسئولیت مدنی ارائه شده است. تحولات مبانی مسئولیت مدنی تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله انقلاب صنعتی، شرایط اقتصادی و حتی اندیشه های فلسفی بوده است. در زمینه مبانی مسئولیت مدنی نظریه های مختلفی از سوی متفکران غربی مطرح شده که بیشتر جنبه فلسفی دارند و حقوق موضوعه را کم و بیش تحت تاثیر قرار داده اند. این نظریه ها، شامل نظریه خطر، تقصیر، مختلط، تضمین، تضمین گروهی و تقصیر به مفهوم نوعی است. مبانی مسئولیت مدنی در باب اتلاف و تسبیب به نظریه خطر نزدیک است آن هم خطر مطلق نه خطری که الزاما با نفع مادی همراه باشد. به هر حال به نظر می رسد که در فقه اصولا نظریه مسئولیت بدون تقصیر یا نوعی (عینی) پذیرفته شده است. برخی استادان حقوق اظهار نظر کرده اند که مبانی مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی و حقوق ایران، قاعده نفی ضرر است. بعضی دیگر نظریه استناد عرفی را مبانی مسئولیت تلقی کرده اند. در مسئولیت مدنی برای تحقق مسئولیت، وجود یا اثبات تقصیر شرط نیست بلکه اثبات ضرر و رابطه سببیت عرفی بین ضرر و فعل یا ترک فعل شخص برای مسئولیت و مطالبه خسارت کفایت می کند. بدیهی است که قبول این نظر به سود زیان دیده است، چه او را از اثبات تقصیر که اغلب کاری دشوار است، معاف می کند، به علاوه در توجیه فلسفی آن میتوان گفت که عدالت اقتضا می کند که خسارت در هر حال جبران شود و هیچ ضرری بدون جبران نماند. قاعده لاضرر نیز دست کم بنا بر یکی از نظریه هایی که در مفهوم آن پذیرفته شده، مفید همین معنی است. تعریف ما از مسئولیت مدنی وابسته به مبنایی خواهد بود که این نوع مسئولیت را بر آن مبتنی می سازیم. نتیجه اینکه تعیین مبانی مسئولیت مدنی هم از جنبه نظریو هم از جنبه کاربردی برای ما موثر خواهد بود. انتخاب مبانی مسئولیت مدنی تلاشی است برای سازش دادن دو حکم متناقض؛ از یکسو همواره باید تلاش کرد تا هیچ ضرری جبران نشده باقی نماند و از سوی دیگر نمی توان بدون وجود یک مبانی حقوقی و منطقی، فردی را مسئول شناخت و او را ملزم به جبران خسارت نمود. دستاورد این پژوهش این است که نگاه دیگر و خاص به مبنا و شرایط مسئولیت مدنی و قرار دادن عنصر تقصیر در عداد عوامل مثبت رابطه علیت و استناد خسارت به شخص و نه در زمره شرایط اصلی مسئولیت. سیستم حقوقی ما این اجازه را می دهد که برای شناخت مسئولیت بدون خطا، بدون نیاز به مسامحه و نظریه سازی های پیچیده، در هر موردی که رابطه استناد میان خسارت و فعل شخص بدون احتیاج به اثبات تقصیر از دید عرف محرز باشد، مسئولیت عامل را محرز و احکام و لوازم آن را بپذیریم.

کلمات کلیدی:

مسئولیت عامل، مبانی مسئولیت مدنی، مسئولیت بدون تقصیر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/940617>



